

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۴۸۵۳
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۵۴۵/۱۱۹ رده بندی کنگره: د ۵۱۳/۲

بررسی مفهوم مسئولیت مدنی در تعارض قوانین

جواد نکودری

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی

چکیده

از نظر تعارض قوانین، مسئولیت مدنی دربرگیرنده الزام های خارج از قرارداد است و قاعده حل تعارض خاصی دارد. برخی از حقوقدانان، قانون مقرر دادگاه را در این بیمه حاکم دانسته اند. بیشتر حقوقدانان، مسئولیت مدنی به مفهوم عام آن را تابع قانون محلی قرار داده اند که فعل زیانبار در قلمرو زمینی یا دریایی یا هوایی آن به بار آمده است و معتقدند که این قانون، شرایط، ارگان و آثار دعوا را تعیین خواهد کرد. به دلیل نارسایی های ناشی از اعمال مطلق نظریه سنتی قانون محل وقوع فعل زیانبار و دشواری مربوط به تعیین محل وقوع فعل زیانبار، برخی از اندیشمندان حقوقی، از نظریه ای جانبداری کرده اند که بسیار انعطاف پذیر و برطبق آن، از میان قوانین متعارض، قانونی حاکم بر دعوی مسئولیت مدنی خواهد بود که با توجه به اوضاع و احوال دعوا و وضعیت و موقعیت عامل ورود زیان و زیان دیده "مناسب ترین قانون" باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، قانون مقرر دادگاه، قانون محل وقوع فعل زیانبار، قانون

حاکم و قانون ماهوی

بخش اول: کلیات

امروزه در برخی از کشورها، احکام و مقررات مربوط به تعارض قوانین رابه صورت قانونی جداگانه در آورده و "قوائد حل تعارض" مربوط به هریک از "دسته های ارتباط" را به روشنی و صراحت زیادی تدوین کرده و هیچ گونه مجالی برای اجتهاد و تفسیرهای گوناگون درمورد دعاوی بین المللی باقی نمی گذارند. وجود چنین قواعدی در قوانین هر کشوری، ازجمله مواردی است که به اعتبار و اعتماد تجاری و اقتصادی آن کشور در نزد بیگانگانی می افزاید که روابط و مناسباتی با آن کشور دارند و یا خواهند داشت. در قانون بین الملل خصوصی همواره غایب مطلوب آن است که صلاحیت و حل تعارض به نفع قانونی تمام شود که به دلیل ارتباط و نزدیکی آن باموضوع واصحاب دعوا، قوی ترین ارتباط را با موضوع مورد اختلاف دارد و با اعمال آن قانون، بتوان عدالت، انصاف و نتایج دلخواه را به دست آورد. تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی- که در آن همواره بحث از قوانین متعارض، حاکمیت های متعارض و نظم های متعارض است- ازجمله موضوعات دشوار و در واقع پیچیده حقوق بین الملل خصوصی بوده و به همین دلیل، هم توجه بسیاری از قانون گذاران، دادرسان و اندیشمندان حقوقی، به ویژه فرهیختگان تعارض قوانین، را به خود جلب کرده، به علاوه این پیچیدگی هم ظاهرا دلیل خاص خود را دارد: رشد سریع و شگفت آور بشر در این سده، موجب تنوع موارد مسئولیت مدنی شده و بر دشواری موضوع افزوده است. وظیفه و هدف اصلی حقوق مسئولیت مدنی همواره مورد اختلاف است و در طبیعت و ماهیت حق مطالبه جبران خسارت، هیچ گونه اتفاق نظری وجود ندارد. تاجایی که نگارنده اطلاع دارد درخصوص قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در تعارض قوانین در ایران کار مشخصی مانند، کتاب، مقاله و.. صورت نگرفته و حتی می توان گفت که قانون گذار ایران هم، قانده حق تعارض را به صراحت در این زمینه مقرر نکرده است بدین سان تعیین قانون

حاکم بر مسئولیت مدنی نه تنها از لحاظ نظری، موضوعی در خورتوجه در تعارض قوانین است بلکه از لحاظ عملی نیز به دلیل گسترش ارتباطات، رفت و آمد های متعدد، برخورد ها و تماس های بین المللی و... همچنین تاثیر آن بر عوامل دخیل در حقوق مسئولیت مدنی مانند: بیمه و... امری ضروری به نظر می رسد. به همین دلیل در اینجا نخست دیدگاه های حقوقی موجود در این زمینه را بررسی و به دنبال آن موضوع حقوق ایران را مطالعه خواهیم کرد.

بخش دوم: دیدگاه های حقوقی

بند اول: نظریه اعمال قانون مقرر دادگاه

طرفداران این نظریه خود به دو گروه تقسیم شده اند. گروهی بر آنند که دعوای مسئولیت مدنی، در حال تابع قانون ماهوی دولت متبوع دادگاه است. گروه دوم معتقدند که قانون حاکم، آمیخته ای از قانون مقرر دادگاه و قانون محل وقوع فعل زیانبار است. از آنجا که بر حسب نظر گروه نخست - که ما از آن به عنوان نظریه سنتی قانون مقرر دادگاه یاد می کنیم و هم بر طبق نظر گروه دوم، در نهایت قانون مقرر دادگاه، تکلیف نهایی رامشخص خواهد کرد، هر دورا در یک گفتار بررسی می کنیم.

الف) نظریه سنتی

این نظریه اصالتی آلمانی دارد و در سال ۱۸۴۹ اندیشمند بزرگ این دیار، ساوینی، از آن حمایت وجانبداری کرد. وی از این دیدگاه تا حدود زیادی حقوق دیگر کشورها، به ویژه کشورهای اروپایی را تحت تاثیر قرار داده بود. فراتر از مرز های اروپا، این نظر در میان دانشمندان غیراروپایی نیز طرفدارانی پیدا کرد. براساس این نظریه، مسائل وموضوعات مسئولیت مدنی همواره باید تحت حکومت قانون دولت متبوع قاضی یا به عبارتی

دیگر، قانون مقرر دادگاه باشد. زیرا قوائد مسئولیت مدنی هریک از نظام‌های متعدد حقوق داخلی، واجد چنان طبیعت و ماهیت اخلاقی آمرانه‌ای هستند که هیچ کشوری نباید هیچ‌گاه قوائد و حقوق مسئولیت مدنی کشور دیگری را اعمال کند، به ویژه هنگامی که دادگاه رسیدگی‌کننده و قانون دولت متبوع وی، فعل زیانبار موضوع دعوا را ناروا و خلاف قانون نمی‌پندارند.

ب) نظریه تلفیقی

برای تعدیل نظریه قانون مقرر دادگاه و پیشگیری از عواقب نامناسب آن، برخی از اندیشمندان نظریه‌ای را مطرح کرده‌اند که آمیزه‌ای از قانون مقرر دادگاه و قانون محل وقوع فعل زیانبار است. مطابق این نظر که در حقوق انگلیس و برخی از کشورهای دیگر پذیرفته شده است رویه قضایی در عمل بر قانون محل وقوع فعل زیانبار و قانون مقرر دادگاه تکیه می‌کند. در حقوق انگلیس "قاعده تجانس و همانندی" میان قانون مقرر دادگاه و قانون محل حادثه زیانبار، در دعوی آپری در مقابل فیلیس در سال ۱۸۷۰ مورد پذیرش واقع شد. و تاملت‌ها بعد یعنی سال ۱۹۹۵ و تصویب قانون حقوق بین‌الملل خصوصی، به عنوان قاعده سابقه اعمال شد. بر این اساس، بنابر یک قاعده کلی، برای اقامه دعوی مسئولیت مدنی و قبل به نتیجه در خصوص خطا و تقصیری که در خارج از قلمرو انگلیس اتفاق افتاده است دو شرایط باید فراهم و محقق شده باشد: اول، خطا، و تقصیر باید چنان وصف و خصوصیتی داشته باشد که اگر در انگلیس ارتکاب می‌یافت، قابل طرح و اقامه در دادگاه بود. دوم، فعل، اقدام مزبور، باید بر اساس قانون محلی که آن اقدام در آن انجام گرفته، توجیه پذیر نبوده باشد. بنابراین باید هم برطبق قانون مقرر دادگاه و هم برطبق قانون محل حادثه زیانبار، فعل یا ترک فعل خوانده، سبب اقامه دعوا و موجب محکومیت وی به جبران خسارت باشد. و هر دو قانون بر این موضوع توافق داشته باشند که اقدام و فعالیت

خواننده، ناروا و نامشروع بوده و زیان دیده برای مطالبه جبران خسارت های وارد شده، حق اقامه دعوا دارد. بنابراین هرگاه براساس قانون محل حادثه زیانبار، عامل وقوع خسارت بتواند به یکی از عوامل موجه استناد و خود را از مسئولیت مبرا کند، نمیتوان به موجب قانون مقر دادگاه خواننده را محکوم به جبران خسارت کرده، هرچند که برطبق این قانون، چنان عامل موجهی وجود نداشته باشد. فراتر از کشور مهد این نظریه، در فرانسه نیز برخی از حقوقدانان از این نظریه جانبداری کرده اند. همچنین با توجه به مفاد بند های ۲۱ و ماده ۱۱ قانون شماره ۱۰ مصوب سال ۱۸۹۸ ژاپن در خصوص حقوق بین الملل خصوصی، خسارت های به بار آمده بر اثر موقعیت ناشی از ضرورت، دارا شدن غیر عادلانه و مسئولیت مدنی، تحت حاکمیت قانون محلی خواهد بود که وقایع سبب ادعاهای مزبور در آن رخ داده است. مشروط بر این آنکه وقایع مزبور نیز براساس قوانین و مقررات ژاپن موجب مسئولیت مدنی عامل وقوع حوادث مذکور باشد. به علاوه بند ۳ همان ماده، حق مطالبه جبران خسارت بر دیگر شیوه های جبران ضرر و زیان را محدود به همان مواردی کرده است که در قانون مقرر دادگاه یعنی قانون ژاپن پذیرفته شده است. به عبارت دیگر، حتی پس از اینکه براساس هر دو قانون مذکور بند ۲۱ همان ماده عمل و رفتار خواننده، زیانبار و ناروا به شمار آمده باشد، میزان و شیوه جبران خسارت، در صورت اختلاف دو قانون، باید مطابق با قانون مقرر دادگاه باشد.

بند دوم: نظریه اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار

این نظریه، که از آن به عنوان نظریه سنتی تعارض قوانین در تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی یاد می شود، به عنوان قاعده عام، در بسیاری از کشورها پذیرفته شده است. برطبق این

عقیده غالبی که نزد حقوقدانان و رویه قضایی بسیاری از کشورها رواج دارد، در خصوص ۵ |

تقصیر و خطاهایی که منجر به ورود خسارت به دیگری میشود، قانون محلی اعمال می شود

که فعل یا ترک فعل موضوع دعوا در آنجا ارتکاب یافته است. بدین ترتیب مسئولیت مدنی به طور کلی تحت حکومت قانون محلی است که فعل زیانبار در آنجا به بار آمده است. برطبق این نظریه، قانون محلی حادثه و اقدام زیانبار در آن صورت گرفته، شرایط حدود و آثار دعوای مسئولیت مدنی و نیز میزان و شیوه جبران خسارت را مشخص می‌کند. قاعده قانون محلی نه تنها در کشورهای اروپایی، بلکه فراتر از مرزهای آن قاره طرفدارانی پیدا کرده است. امروزه به موجب بند ۱ ماده ۱۱ قانون حقوق بین الملل خصوصی "مصوب ۱۹۹۵، آن نظریه رابه کار گرفته و اصول قانون محل وقوع فعل زیانبار را پذیرفته است. این نظریه نه تنها در قوانین داخلی و رویه قضایی کشورها پذیرفته شده، بلکه در کنوانسیون‌های لاهه نیز به ویژه در ماده ۳ کنوانسیون مربوط به قانون حاکم در تصادفات ناشی از حمل و نقل مصوب ۴ مه ۱۹۷۱ و نیز ماده ۴ کنوانسیون مربوط به قانون حاکم بر مسئولیت ناشی از محصولات تولیدی مصوب ۲ اکتبر ۱۹۷۳، اصل صلاحیت قانون محل وقوع فعل زیانبار، پذیرفته شده است.

بخش سوم: دیدگاه حقوق ایران

در حقوق بین الملل خصوصی همواره سعی بر آن است که قوانین و ضوابط کشوری بر دعوا حاکم شود که بیشترین ارتباط را با اصحاب دعوا داشته و طرفین دعوا نیز با آن قانون انس و آشنایی بیشتری داشته باشند. اما اینکه چگونه و بر چه اساس چه نظامی باید حقوق و تعهدات ایجاد شده بر اساس آن قانون را اجرا کرد، موضوعی است که در صلاحیت قانون شکلی دادگاه رسیدگی کننده به دعواست. حکومت قانون دادگاه بر آیین دادرسی و مقررات شکلی دعوا، در حقوق بین الملل خصوصی، به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. ماده ۹۷۱

۶ | قانون مدنی مقرر میدارد ((دعای از حیث... قوانین راجعه به اصول محاکمات، تابع قانون

محلی خواهد بود که در آنجا اقامه شود)) بنابراین، دادگاه‌های ایران اعم از عمومی، تجدید

نظر و دیوان عالی کشور، همان قواعد و مقررات شکلی را در حقوق داخلی و برای رسیدگی به دعاوی داخلی مقرر شده است، در محیط حقوق بین الملل خصوصی نیز اجرا می کنند. اما رسالت مهم و اصلی حقوق بین الملل خصوصی تعیین قانون ماهوی صلاحیتدار برای دعاوی ای است که عنصری خارجی دارند. با این حال، تمایز و تفکیک بین قانون ماهوی و قانون شکلی، ظاهراً ساده به نظر می آید ولی در عمل دشواری های آن هنوز حل نشده و برخی از کشورها، دامنه وسیعی برای قوانین شکلی در نظر گرفته و آن قلمرو را در حیطه صلاحیت قانون دولت مبعوع خود دانسته اند. حال آنکه در برخی از کشورها، دامنه چنین قانونی محدود است و قلمرو گسترده برای قانون ماهوی خارجی در نظر گرفته اند. به علاوه، در تعلق برخی از نهادهای حقوقی به این دسته یا آن گروه تردید وجود دارد. از جمله موضوعات مهم در این زمینه، بار اثبات دعوا است که باید آن را از رسیدگی به دلایل اثبات دعوا تمیز داد، حال پس از این مقدمه باید دید که حقوق ایران در خصوص موضوعات ماهوی دعوای مسئولیت مدنی، کدام قانون را صلاحیتدار دانسته است؛ قانون مقرر دادگاه قانون ایران با قانون محل وقوع فعل زیانبار و یا....

بند اول: فرض های مختلف

قانون مدنی ایران که مانند قوانین برخی از کشورهای دیگر، مقررات مربوط به حقوق بین الملل خصوصی را در خود جای داده، هیچ تصریحی در خصوص قاعده حل متعارض مربوط به مسئولیت مدنی و قانون حاکم بر دعوای ناشی از جبران خسارت ندارد. علمای حقوق و اندیشمندان تعارض قوانین نیز در این خصوص نظری صریحی ابراز نداشته اند و برخی دیگر از آنان معتقدند که قانونگذار ایران در این مورد قاعده ای وضع نکرده است.

برخی از استادان حقوق مدنی ایران، به استناد اصل سرزمین و قاعده محلی بودن قوانین که در ماده ۵ قانون مدنی پیش بینی شده است بر این باورند که قوانین ایران، اصولاً در داخل

مرزهای سیاسی کشور اجرا می‌شود و بر تمام اشخاص و اموال موجود در آن حکومت می‌کند، زیرا بر این پندارند که کلیه سکه ایران، اعم از اتباع خارجه و داخله، مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد. به دنبال همین مقدمات، نتیجه می‌گیرند که در مقام رفع تعارض قوانین، هر جا که تردید در اجرای قانون ایران با خارجی باشد، اصل، اجرای قانون ایران، درباره ساکنان آن است.

بند دوم: فعل زیانبار روی داده در قلمرو ایران

هرگاه بر اثر فعل زیانباری و در نتیجه عمد یا بی احتیاطی شخصی در قلمرو ایران به جان، سلامت، مال، آزادی، حیثیت، شهرت تجاری و به طور کلی هر نوع محل دیگری که به حکم قانون برای اشخاصی مقرر شده لطمه ای وارد آید که سبب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود و در ایران اقامه دعوا شده قانون ماهوی ایران، صلاحیتدار است و سرنوشت دعوا و نیز حقوق و تکالیف طرفین و میزان و کیفیت جبران خسارت را معین خواهد کرد. در این فرض فرضی نمی‌کند که دعوا بین خواهان و خوانده ایرانی اقامه شده یا بین خواهان و خوانده ای که ایرانی نیست و تابعیت خارجی دارد و قوانین و مقررات ایران در خصوصی مسئولیت مدنی، در مورد کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران - اعم از زمینی، دریایی، هوایی - به هر نحوی موجب ورود خسارت به دیگری می‌شوند اعمال می‌شود این قاعده که در واقع یکی از قواعد معتبر و بین المللی است، اصل سرزمینی بودن قوانین نامیده می‌شود و دو بعد دارد: جنبه ایجابی و مثبت آن این است که تمام ساکنان ایران یعنی اتباع داخلی و خارجی را تابع قوانین ایران می‌داند جنبه سلبی و منفی آن بدین گونه است که در مورد تمام اشخاصی که در خارج از ایران به سر می‌برند هر چند که به ایران بوده و در خارج ساکن و اقامتگاه داشته باشند، قانون ایران اعمال نمی‌شود؛ مگر در موارد خاصی و استثنایی ولی هرگاه دعوای مزبور در یک دادگاه خارجی

اقامه شده باشد، تعیین قانون حاکم و صلاحیتدار بر آن در حوزه صلاحیت قواعد حل تعارض دولت متبوع دادگاه است؛ بنابراین هرگاه قاعده حل تعارض آن کشور نیز در این فرض، دعوا را از نظر ماهوی تابع قانون محل وقوع فعلی زیانبار قرار داده باشد - مانند حقوق فرانسه - در آن صورت، قانون ماهوی ایران، حاکم بر دعوی جبران خسارت مزبور خواهد بود، وگرنه قانون ایران و قواعد حل تعارض آن نمی تواند صلاحیت و حاکمیت خود را در دادگاه کشور دیگری تحمیل کند؛

بخش چهارم: فعل زیانبار روی داده در قلمرو کشور خارجی

در فرضی که فعل و اقدامات یک فرد - ایرانی با بیگانه در قلمرو یک کشور خارجی موجب ضرر و زیان شخص دیگری ایرانی با بیگانه شده و به جان یا سلامتی مال و یا به طور کلی حقوق شخص اخیر لطمه و صدمه ای وارد آمده باشد و شخص زیان دیده، برای مطالبه خسارت وارد بر خود و جبران آن، در دادگاه های ایران به اقامه دعوی مسئولیت مدنی علیه عامل ورود زیان کند، پرسشی که مطرح می شود این است که دادگاه ایران صرفنظر از قواعد شکلی و آیین دادرسی، باید بر اساس کدام قانون ماهوی به حل و فصل اختلاف و ارزیابی و سنجش تقصیر و خطای عامل خسارت و زیان و در نهایت صدور حکم و الزام به جبران خسارت بپردازد؟ آیا باید به صرف مراجعه به دادگاه ایران، قایل به اعمال قانون ایران در حق آنان بود و حقوق و تکالیف آنان و میزان و کیفیت جبران خسارت را به همان ترتیب مقرر در حقوق داخلی ایران تعیین کرد یا اینکه باید دعوا را ماهیت تابع قانون محلی قرار داد که در آنجا تقصیر و خطای زیانبار در گرفته و زیان دیده متحمل خسارت شده و بر اساس این قانون، سرنوشت دعوا را تعیین کرد؟ و یا اینکه باید

دعوی مسئولیت مدنی حکم صادر کرد؟ به نظر می‌آید که قانون مدنی ایران، متضمن هیچ راه حل صریحی در خصوص این موضوع نیست و از ماده ۵ قانون مدنی نمی‌توان قانون حاکم و صلاحیت‌دار در این گونه دعوی را تعیین کرد - یا دست کم استنباط آن دشوار است. زیرا ماده گفته شده ناظر بر فرضی است که طرفین دعوا، ساکن قلمرو ایران باشند و در واقع رابطه و مبنای دعوا در ایران شکل گرفته باشد. حال آنکه در فرض مورد بحث، نه طرفین دعوا ایرانی هستند و نه ساکن ایران و فعل واقدام زیانبار هم در قلمرو کشور دیگری غیر از ایران به وقوع پیوسته است. بنابراین بجاست که قانونگذاری ایران در این زمینه دست به ابتکار بزند و راه حل موضوع را به روشنی و درعین حال با دقت و با در نظر گرفتن مصالح کشور مقرر کند؛ اما تا زمانی که چنین کاری صورت نگرفته است، باید چاره‌ای اندیشید و از لابه لای متون قانونی و با توجه به سوابق و راه حل‌های پیش‌بینی شده در کشورهای دیگر، قاعده‌ای با توجه به روح قانون و در نظر داشتن عدالت و نظم عمومی پیش‌بینی کرد که با ایرادات کمتری روبه‌رو باشد.

بخش پنجم: مفاد راه حل پیشنهادی پذیرفتن اصل حکومت قانون محل وقوع فعل زیانبار

با توجه به ماده ۵ قانون مدنی و همچنین با وحدت ملاک از ماده ۹۶۸ همان قانون در خصوص مسئولیت قراردادی به نظر می‌آید که در خصوص قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در تعارض قوانین، حقوق ایران اصولاً از قاعده حل تعارض "قانون محل وقوع فعل زیانبار" پیروی می‌کند؛ زیرا مطابق با ماده ۵ قانون مدنی، قانون ایران بر تمام اموری که در قلمرو حاکمیت ایران رخ می‌دهد و بر هر کس و هر چیزی که در آن واقع است، حکومت دارد؛ بنابراین هرگاه فعل زیانباری در قلمرو حاکمیت ایران به وقوع بپیوندد و به دیگری خسارتی وارد آورد، در حالی که عنصری خارجی و در قلمرو تعارض قوانین دارد، از نظر

قانون ایران واقع مزبور تابع قانون ماهوی ایران است و دادگاه ایران، در این فرض، قانون و مقررات مربوط به حقوق مسئولیت مدنی ایران را به اعتبار قانون محل وقوع فعل زیانبار، بر دعوا حاکم و حقوق و مسئولیت های طرفین را بر آن اساس مشخص خواهد کرد. بنابراین: از آنجا که حقوق ایران این حق را برای خود قایل است که دعوی مسئولیت مدنی را که ارکان آن در قلمرو ایران به وقوع پیوسته، تابع قانون محل وقوع فعل زیانبار قرار دهد، بر اساس رابطه متقابل و اصل حاکمیت برابر دولت ها، این حق و صلاحیت را برای قانون خارجی قایل است که در صورتی که ارکان و شرایط دعوی مسئولیت مدنی در قلمرو حکومت آن کشور فراهم آمده باشد، دعوایی را که در دادگاه ایران اقامه شده، تابع و تحت حکومت قانون محل وقوع فعل زیانبار قرار دهد و بر اساس آن قانون، دادگاه ایران به تعیین سرنوشت دعوا و حقوق و الزامات طرفین بپردازد. علاوه بر این نگرش، می توان با توجه به وحدت ملاک از ماده ۹۶۸ قانون مدنی، که تعهدات ناشی از عقود یا به عبارتی مسئولیت قراردادی را تابع قانون محل وقوع عقد قرار داده است، بر این اندیشه بود که حقوق و تکالیف ناشی از الزامات غیر قراردادی و مسئولیت قهری، با توجه به روح قانون ایران، اصولاً تابع قانون محل وقوع فعل زیانبار است و نه قانون مقر دادگاه. لازم است یادآوری کنیم که توسل به وحدت ملاک در رابطه میان مسئولیت قراردادی و مسئولیت مدنی امر تازه ای نیست؛ چه بسا در حقوق داخلی و همچنین با در نظر داشتن مواد ۱۶۲ و ۱۷۲ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳ / ۶ / ۲۹ و مواد او ۱۱ قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان و نیز مواد او ۲ قانون اصلاح قانون تعیین حدود آبهای ساحلی و منطقه نظارت ایران مصوب ۲۲ فروردین ۱۳۳۸ و همچنین ماده ۳ قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۷۸ و نیز مواد ۱ و ۲ پیمان هواپیمایی بین المللی کشوری، منعقد در شیکاگو، که دولت ایران نیز آن را تصویب کرده است نیز در بسیاری از موارد که مقررات مربوط به مسئولیت مدنی ساکت است و حکمی در مخصوص موضوع مقرر نشده باشد، نه تنها حقوقدانان ایرانی، بلکه حقوقدانان خارجی نیز مقررات مربوط به

مسئولیت قراردادی را برای تکمیل ضوابط و قواعد مسئولیت مدنی، با توسل به وحدت ملاک به کار گرفته اند. با این توضیح که در مقررات مربوط به مسئولیت مدنی، ظاهره، حکمی راجع به لزوم مستقیم و قابل پیش بینی بودن خسارت مقرر نشده، لیکن استادان حقوق مدنی با تمسک به قیاسی، مقررات مربوط به ضرورت مستقیم بودن خسارت و قابلیت پیش بینی بودن ضرر و زیان در مسئولیت قراردادی را به حقوق مسئولیت مدنی تسری داده اند. بنابراین همانگونه که اصولاً تعهدات ناشی از قرار داد، در تعارض قوانین، تابع قانون محل وقوع عقد است، حقوق و تکالیف ناشی از وقایع حقوق و ضمان قهری نیز، اصولاً، تابع قانون محل وقوع آن است. به بیان دیگر بر قاعده کلی حل تعارض، همان قاعده قانون محل وقوع فعل زیانبار بر دعوی مسئولیت مدنی است. پذیرفتن حکومت قانون مناسب مسئولیت مدنی به عنوان قاعده ثانوی حکومت مطلق قانون محل وقوع فعل زیانبار بر دعوی مسئولیت مدنی ممکن است در برخی موارد، به نتایج نامناسبی منجر شود. بنابراین بهتر خواهد بود که در کنار اصل و قاعده گفته شده، در برخی موارد خاص و استثنایی، حاکمیت قانونی را بر دعوی مسئولیت مدنی بپذیریم که بیشترین ارتباط و تناسب را با واقعه زیانبار و طرفین دعوی مسئولیت مدنی دارد. به بیان دیگر، در این گونه موارد، حکومت قانونی را بپذیریم که وابستگی و ارتباط عمیقی با موضوع و اصحاب دعوا داشته باشد. معیارها و ضوابطی که دادگاه ایران باید در تشخیص این ارتباط و احراز "قانون مناسب مسئولیت مدنی مورد توجه قرار دهد، متعددند؛ اما به نظر می آید که عمده ترین این ملاک ها عبارت اند از: محل وقوع خسارت، محل وقوع فعل یا ترک فعل سبب خسارت، اقامتگاه، تابعیت، محل و مرکز فعالیت تجاری اصحاب دعوا و... در جهت اثبات این استثنا می توان گفت که همانگونه که تواعد و اصول کلی همواره مورد تخصیص و استثنا واقع شده اند و نیز همانگونه که اصل و قاعده سرزمینی بودن قوانین در ماده ۵ قانون مدنی و همچنین قاعده حکومت قانون محل وقوع قرار داد بر تعهدات ناشی از عقد، در موارد خاص، قابلیت اعمال و حکومت قانون مناسب دیگری را پذیرفته اند، بنابراین می

توان بر این عقیده بود که در برخی موارد خاص ممکن است قانون مناسب دیگری غیر از قانون محل وقوع نعل زیانبار، حقوق و تعهدات اصحاب دعوای مسئولیت مدنی را در دادگاه ایران مشخص کند.

نتیجه گیری

راه حل پیشنهاد شده، خصوصیات یک قاعده حل تعارض - همان قاطعیت، قابلیت پیش بینی قانون حاکم، پیشگیری از تقلب از نظر قانونی جست و جوی خواهان برای یافتن مساعدترین دادگاه و نیز تأمین حقوق سیاسی و نظم عمومی - خواهد داشت. علاوه بر اوصاف گفته شده، در بر گیرنده ویژگی سهولت و آسانی در اعمال قاعده حل تعارض بوده و خصلت انعطاف پذیری را که لازمه هر نوع قاعده مطلوب است، به صورت محدودی دارد. در حقیقت، میان قاطعیت مربوط به تعیین قواعد و مقررات قابل اعمال در خصوص دعوا و قابلیت انعطافی که به دادگاهها این آزادی را می دهد که در خصوص دعاوی پیچیده و مشکل، به راه حل و تصمیمی عادلانه نایل آیند، یک نوع تعادل و توازن ایجاد میکند. افزون بر آن، به نظر می آید که این راه حل با مقتضیات دنیای تجارت، به ویژه مصالح شرکتهای بیمه نیز سازگاری دارد؛ زیرا نمی توان انکار کرد که بیمه و شرکت های بیمه، نقش مهمی در حقوق مسئولیت مدنی و جبران خسارت زیان دیده دارند. شرکت های مزبور، همیشه در صددند که از سرنوشت دعوا و کم و کیف جبران خسارت به طور نسبی آگاه باشند. این هدف با تنظیم قاعده مزبور دست یافتنی است، مشروط بر آنکه قانون موضوعه، به روشنی و با دقت تمام قانون قابل اعمال و در واقع صلاحیتدار را تعیین کند.

منابع و مآخذ

۱. ارفع نیا، بهشید (۱۳۷۵)، حفرق بین الملل خصوصی، نشر عقیق، جلد دوم، چاپ سوم.
۲. الماسی، نجادعلی (۱۳۷۶)، تعارض قوانین، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم.
۳. جابر جاده عبدالرحمن (۱۹۴۹)، القانون الدولي الخاص، الجزء الأول، مطبعة شركة النشر و الطباعة العراقية المحدودة، الطبعة الأولى، بغداد.
۴. جعفری تبار، حسن (۱۳۷۵)، مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا، نشر دادگستر، چاپ اوله.
۵. درودیان، حسن علی (۱۳۷۶)، حقوق مدنی ۴، انتشارات حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۶. سلجوقی، محمود (۱۳۷۷)، حقوق بین الملل خصوصی، نشر دادگستر، جلد دوم، چاپ اول.
۷. عبدالحمید ابو هیف (۱۹۲۴)، القانون الدولي الخاص فی اوروبا فی مصر، مطبعة الاعتماد، الطبعة الأولى، القاهرة.
۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، حقوق مدنی، ضمان قهری، الزام‌های خارج از قرارداد انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

۹، کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق، شرکت سهامی انتشار، جلد

اول، چاپ اول.

۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی

ایران، شرکت

Battifor Henri, Lagardc paul (1971), Droit intcnational Prive, T.2, R.

PICHON CT R. Duraund – Auzias, Seme Edition, Paris.

13. Bourcl Picrrc (2001-2002), Responsabilite civile, Repertoire de droit

International 4e Annee, T, III Encyclopedi juridique Dalloze.

14. Cheshire and North (1987), private international law, Sweet&Maxwell, 11th Edition, London.